

طلا، ابزار پوشش ریسک

در وضعیت کنونی، نرخ بهره واقعی در آمریکا و در پی آن تنش های ژئوپلیتیک از جمله محرک های اصلی قیمت طلای جهانی هستند که در حال حاضر نشانه های قاطع از حذف این محرک ها وجود ندارد؛ بنابراین در توزیع سناریوهای پیش رو، سناریوهای حفظ سطوح بالا یا افزایش قیمت طلا را نمی توان کم وزن دانست. همچنین، تغییر نظم سیاسی و چرخش بانک های مرکزی کشورهای چالشگر آمریکا به سمت خرید طلای بیشتر، تقاضای نهادی طلا را بالا نگه داشته و مسنگال عدم ثبات در آینده (به شکل شدت گرفتن اصطکاک در تجارت جهانی) را به بازارهای می دهد. اما در عرصه اقتصاد داخلی، موضوع پیچیده تر هم می شود. علاوه بر محرک های قیمت طلای جهانی، محرک های داخلی نیز به معادله قیمت طلا وارد می شوند. قیمت گذاری طلا در بازارهای جهانی به دلار انجام می گیرد؛ پس در قیمت گذاری داخلی طلا، نرخ برابری دلار در برابر ریال اهمیت پیدا می کند. در سایه تحریم های گسترده و احتمال وقوع جنگی دوباره، افزایش نرخ ارز تا برطرف نشدن تنش های ژئوپلیتیک و سیاسی غیرقابل اجتناب است. از طرفی قسمت زیادی از نیازهای خانوار ایرانی وابستگی به واردات دارد که کاهش صادرات نفتی باعث کمبود در ذخایر ارزی و در نتیجه کمبود عرضه دلار و در پی آن کاهش ارزش ریال می شود. پس ارزش اقتصادی خانوار ایرانی را به عامل تهدید می کند: ۱- کاهش ارزش ریال ۲- افزایش قیمت کالاهای وارداتی به دلیل تورم جهانی و سختی در واردات آن. سرمایه گذاری در طلا در شرایط کنونی تنها راهی برای سآوری در فرآیندهای سفته بازی نیست، بلکه راهی برای نگهداشت ارزش اقتصادی است. پس عامل اقتصادی ترجیح می دهد که با نگهداری ارزش اقتصادی تولیدی خود در طلا، پوششی در برابر این حجم از ناطمینانی اقتصادی به وجود بیاورد. اما درآمدهای آتی چه ؟ یا چه ابزاری می توان درآمدهای آتی را در برابر ناطمینانی ها بیمه کرد ؟ در بازارهای مالی، قراردادهای سلف قراردادهایی هستند که به منظور پوشش ریسک تهیه شدند. در این قراردادها خرید و فروش در آینده بر اساس قیمتی ازپیش تعیین شده اتفاق می افتد، راه حلی که خانوار ایرانی برای پوشش ارزش اقتصادی خود دارد. خرید طلا به قیمت امروز و تحویل آن در آینده است. با این حال پرداخت در یک زمان مشخص در آینده می تواند فشار زیادی بر خریدار وارد کند.

ابزار خرید اقساطی طلا می تواند مشکل در پرداخت را حل کند. یعنی فردی برای پوشش ثروت خود، ابتدا قسمتی از سبد شخصی را به طلا تغییر می دهد، سپس برای بیمه کردن درآمدهای آتی خود، با قیمت امروز دست به خرید اقساطی طلا می زند. در حقیقت، پرداخت های اقساط این خرید، مقداری از درآمدهای آتی را در برابر ناطمینانی های آتی پوشش می دهند. البته این ابزار رایگان نیست. خرید اقساطی در کنار تثبیت قیمت دارایی، تعهد پرداخت ثابت نیز ایجاد می کند و برای خانواری که خود با ریسک کاهش درآمد مواجه است، ممکن است به افزایش شکنندگی مالی منجر شود. افزایش قیمت طلا الزامات منشا بحران نیست؛ اغلب قیمت آن دامنچ بی اعتمادی است. هرچه خانوار حاضر باشند بخش بیشتری از درآمد امروز و حتی درآمد آینده خود را برای خروج از پول ملی متعهد کنند، پیام برای سیاستگذار جدی تر است. مساله فقط افزایش قیمت طلا نیست؛ مساله کاهش تقاضا برای نگهداری ثروت به شکل پول ملی است.



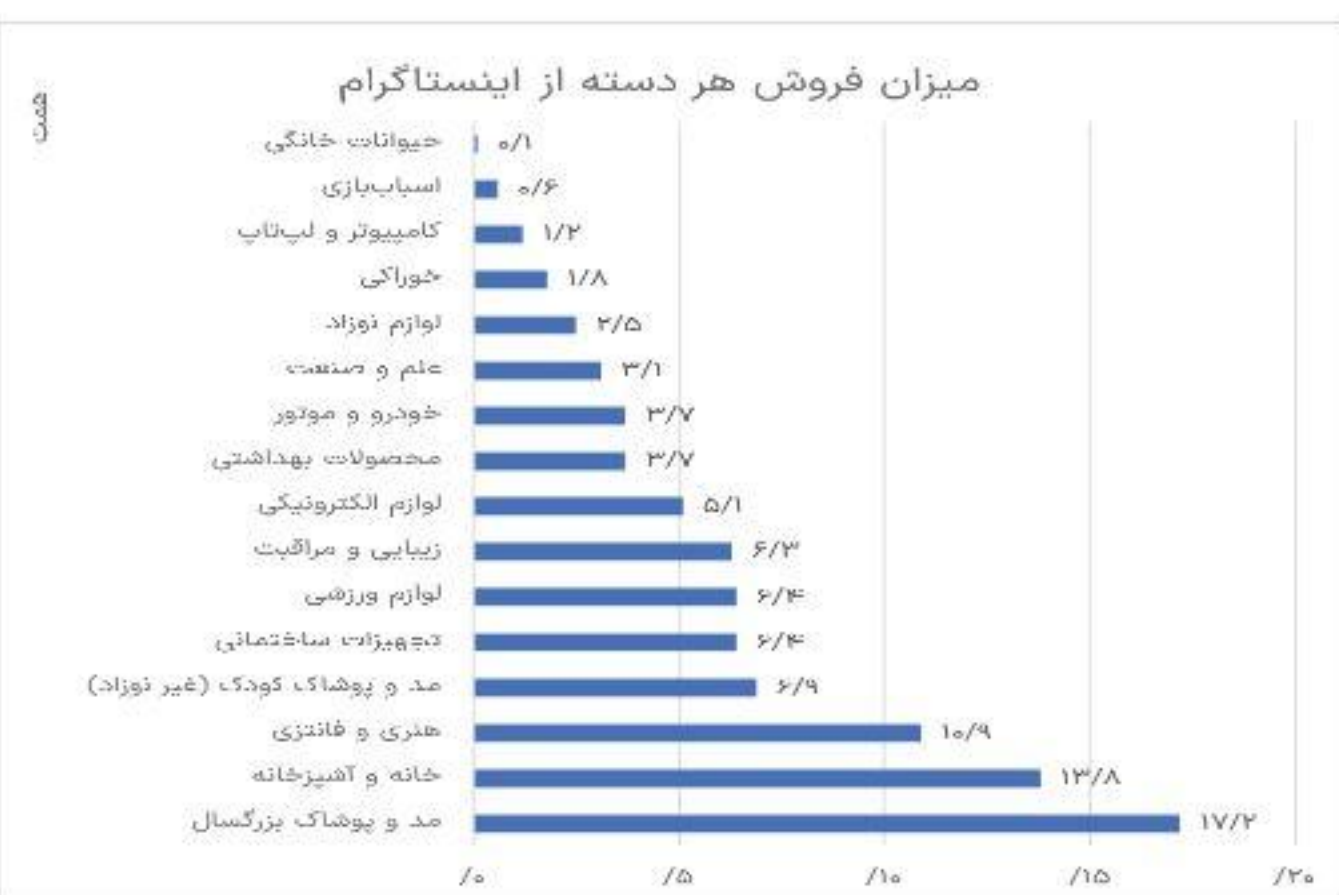
سروش یوسفیان
مدیر ارشد استراتژی و تحلیل ازگی وام

افراد جامعه، جز در مواردی معدود، به تنهایی توان چندانی برای اثرگذاری بر روندهای کلان اقتصادی و سیاسی ندارند. تحولاتی مانند چرخه های تجاری رونق و رکود، دگرگونی های شتابان فناوری و پیامدهای آنها بر بازار کار، و تغییر در نظم های سیاسی، عموما خارج از اراده و کنترل افراد رخ می دهند. افزون بر این تحولات کلان، محدودیت هایی که به دلیل ملیت (مانند تحریم ها) یا تعلقات قومی بر اعضای جامعه تحمیل می شوند، ضرورت صیانت از ارزش اقتصادی دستاوردهای حاصل از کار و سرمایه گذاری را برای کنشگران اجتماعی دوچندان می کنند. طلا به طور سنتی یکی از مهم ترین ابزارهای حفظ ارزش اقتصادی در برابر ریسک های یادشده بوده است. در سده های پایانی قرون وسطی، محدودیت های اعمال شده بر حق تملک زمین برای بهبودیان، همراه با نامنی های اقتصادی و سیاسی ناشی از شیوع طاعون در اروپا، آنان را به نگهداری دارایی های قابل حمل و بادوام، به ویژه طلا، سوق داد. طلا به آنان امکان می داد ارزش اقتصادی حاصل از کار و سرمایه خود را در برابر ناشی های اقتصادی و سیاسی حفظ کنند. قرن ها بعد، در سال های آغازین رکود بزرگ و همزمان با گسترش ورشکستگی بانک ها و کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی، بسیاری از آمریکایی ها نیز به جای نگهداری اسکناس و سپرده های بانکی، به ذخیره طلا روی آوردند.

در اقتصاد مدرن، طلا به عنوان دارایی امنی در برابر شوک های مالی، اقتصادی و سیاسی ساخته می شود. افزایش بی ثباتی و ناطمینانی در فضای سیاسی و اقتصادی معمولاً تقاضا برای طلا را افزایش می دهد و زمینه رشد قیمت آن را فراهم می کند. از این منظر، طلا در طول تاریخ نقشی پوششی در برابر پیامدهای تصمیمات دولت ها و بانک های مرکزی ایفا کرده است. با این حال، کارکرد طلا را نباید صرفاً به حفظ ارزش دارایی ها در برابر تورم محدود دانست؛ اهمیت آن بیش از هر چیز در پوشش ریسک های ناشی از ناطمینانی اقتصادی، بی ثباتی سیاستگذاری و کاهش اعتماد عمومی به تصمیمات دولت ها و نهاد های پولی نهفته است.

شاهد تاریخی نشان می دهد که طلا در دوره های جنگ، ابرتورم و بحران های بانکی معمولاً به عنوان «پناهگاه امن» مورد توجه قرار می گیرد. در زمان جنگ، احتمال اختلال یا فروپاشی نهاد ها و ضرورت انتقال سریع دارایی ها افزایش می یابد؛ در دوره های ابرتورمی، قدرت خرید پول راجع با شتاب کاهش پیدا می کند؛ و در بحران های بانکی نیز اعتماد عمومی به سپرده ها و موسسات مالی تضعیف می شود. با این حال، اگر افزایش تقاضا برای طلا از طریق واردات، تأمین ارز با پوشش ریسک ارزی معامله گران به افزایش تقاضا در بازار ارز منجر شود، قرار از ریال نمی تواند فشار بر این بازار را تشدید کند. در چنین شرایطی، چرخه ای نمود و حداکثر ظرف مدت ۷ روز از تاریخ انتشار آگهی حاصل به دریافت اسناد و مشخصات کامل از طریق مراجعه به سایت www.iran-transfo.com و یا اعزام نماینده خود به همراه معرفی نامه جهت اخذ مدارک و ارائه پاسخ اقدام نمایند. شرکت ایران ترانسفو در رد یا قبول پیشنهادات ارائه شده مختار است. هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقسه می باشد.

بیشتری بر ارزش پول ملی وارد می کند.



معتبر برای مدل فروش مورد استفاده قرار گرفت. این داده ها یک نکته اقتصادی مهم را نشان می دهند. اندازه بازار فقط با تعداد صفحات یا تعداد دنبال کنندگان مشخص نمی شود. برای برآورد فروش باید بدانیم هر فروشگاه چه مقدار سفارش می گیرد، چه کالایی می فروشد، متوسط ارزش سفارش آن چقدر است و چه سهمی از فروش خود را از این کالاهای به دست می آورد. از همین مسیر، پژوهش تلاش کرده رابطه میان شاخص های قابل مشاهده صفحه و فروش را به دست آورد و سپس این رابطه را به فروشگاه هایی که اطلاعات فروش آنها در دسترس نبوده، تعمیم دهد. به این ترتیب، برآورد بازار از چند صفحه بزرگ فراتر می رود و نمایان نمی توان فروش یک صفحه کوچک تر را نیز در بر می گیرد. در مقیاس جهانی نیز تجارت در شبکه های اجتماعی دیگر یک بازار حاشیه ای نیست. برآوردهای ارائه شده در پژوهش، ارزش بازار جهانی تجارت در شبکه های اجتماعی در سال ۲۰۲۴ را حدود ۱۶٫۸ میلیارد دلار اعلام می کند. این رقم برای سال ۲۰۳۰ حدود ۲۸٫۷ میلیارد دلار پیش بینی شده است. سهم تجارت اجتماعی از تجارت الکترونیک جهان نیز در همین دوره از ۱۲٫۹ درصد به ۱۹٫۱ درصد افزایش خواهد یافت. بازار ایران البته با الگوی جهانی تفاوت هایی دارد. بخش قابل توجهی از فروش اجتماعی در ایران بدون یک زیرساخت یکپارچه شکل گرفته است.

گروه نخست کالاهای مصرفی مانند خوراکی، محصولات بهداشتی، زیبایی و مراقبت و محصولات مرتبط با حیوانات خانگی را در بر می گیرد. گروه دوم به مد و پوشاک اختصاص دارد و پوشاک بزرگسال، کودک، نوزاد و اکسسوری را شامل می شود. گروه سوم نیز کالاهای بادوام مانند لوازم الکترونیکی، خودرو، تجهیزات خانگی، ورزشی و صنعتی را در بر می گیرد. این تفاوت برای مدل فروش اهمیت دارد. خرید یک محصول مصرفی می تواند تکرار پذیر باشد، در حالی که کالاهای بادوام فاصله بیشتری میان دو خرید ایجاد می کنند. قیمت، حاشیه سود، دفعات سفارش و حساسیت مشتری به روندهای بازار نیز در این گروه ها یکسان نیست. بنابراین نمی توان فروش یک صفحه پوشاک را با فروش یک صفحه لوا